

تأثیر سیلوستر دوساسی بر تاریخ مطالعات اسلامی در غرب

نجمه صالحی^۱

زهرا روح‌اللهی امیری^۲

چکیده

مطالعات دانشمندان غربی درباره شرق، تاریخی کهن دارد و فعالیت‌های پژوهشگران بسیاری را به خود معطوف داشته که هر یک سهمی در شکل‌گیری این‌گونه مطالعات یعنی جریان استشراق با رویکرد علمی داشته است. در این میان سیلوستر دوساسی از جمله افراد پرکاری است که در گسترش مطالعات زبان‌های شرقی در فرانسه و سپس اروپا، تلاش‌های فراوانی انجام داده و مطالعات زبان‌شناختی را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. دوساسی تأثیری مهمی بر مطالعات تاریخی شرق‌شناسی داشته و تحول‌هنگفتی در آن پدید آورده است. این نوشتار با بهره‌بردن از منابع کتابخانه‌ای، با روش توصیفی و گردآوری داده‌ها در پی پاسخ به این پرسش است که سیلوستر دوساسی در مطالعات اسلامی، به‌ویژه زبان‌های شرقی، چه تأثیری داشته است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد با اقدامات دوساسی جریان استشراق، وارد مرحله نوینی گردید که شاید بتوان از آن با عنوان «استشراق علمی» یاد کرد و این تأثیر و چگونگی در حوزه استشراق، نمایان شده است.

واژگان کلیدی: سیلوستر دوساسی، استشراق علمی، جریان‌شناسی مطالعات شرق‌شناسی، آموزش زبان‌های شرقی، تاریخ شرق‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، مدرس جامعه المصطفی العالمیه رضی الله عنه (نویسنده مسئول)، na.salehi1981@gmail.com

۲. دکتری تاریخ اسلام، استادیار دانشگاه باقرالعلوم رضی الله عنه، z.rooholahiamiri@yahoo.com

مقدمه

شرق‌شناسی به مثابه یک رشته مطالعاتی منسجم از ابتدای قرن نوزدهم آغاز گردید. تا پیش از این دوران تلاش غربیان در مطالعات شرقی بیشتر جنبه کلیسایی و مبارزه با اسلام داشت و اکثر نوشته‌های این دوران، مشحون از اتهامات بود. از اواخر قرن نوزدهم مطالعات شرق‌شناسی به رشته‌ای مستقل تبدیل شد. از شاخص‌ترین افراد در ایجاد این خیزش در اروپا شرق‌شناس معروف فرانسوی، سیلوستر دوساسی است. او با نبوغ بالا و تلاش فراوان زبان‌های شرقی را فراگرفت و پس از تأسیس مدارس مطالعات شرقی، شرق‌شناسی را به یک رشته دانشگاهی مستقل و منسجم تبدیل نمود.

با توجه به جایگاه مهم دوساسی در تاریخ شرق‌شناسی، بسیاری از نویسندگان که در موضوع تاریخ استشراق قلم زده‌اند ناگزیر از ذکر اقدامات و چه بسا استفاده از علم او، بوده‌اند. ادوارد سعید، یوهان فوک، زاگری لاکمن، یورسولا ووکوک، نجیب العقیقی و عبدالرحمان بدوی بخشی از کتاب‌های خود را به معرفی و تأثیر وی در تاریخ این مطالعات اختصاص داده‌اند. هارتویگ درنیورو، استاد مدرسه زبان‌های زنده شرقی، به پیشنهاد فلاشر، کتابی در معرفی دوساسی به زبان فرانسه نگاشت. طهمورث ساجدی در مقاله «سیلوستر دوساسی ایران‌شناس فرانسوی» (نامه فرهنگستان، ۱۳۸۹) به جایگاه ایران‌شناسی او و نقش وی در مطالعات ایرانی پرداخته است. اسماعیل چنگیزی اردهایی، سید محمد امیر احمدی طباطبایی و مجید منهجی در مقاله «بررسی ابعاد و شخصیت علمی سیلوستر دوساسی، خاورشناس فرانسوی» (فصلنامه تاریخ نو، شماره هشتم، ۱۳۹۳ ش) به زندگینامه، آثار و روش علمی و مذهب دوساسی اشاره کرده‌اند. در آثار دیگر نیز مانند شرح حال و آثار زوزف فن‌هامر پورگشتال اثر طهمورث ساجدی در نامه فرهنگستان (۴۲، ۱۳۸۹ ش) به صورت غیرمستقیم به نقش دوساسی اشاره گردیده است؛ اما وجه تمایز این اثر با آثار پیشین در این است که **جایگاه دوساسی در تاریخ**

استشراق، با نگاهی نو مورد مذاقه قرار گرفته است، نه شخصیت وی به طور خاص؛ از این رو پس از ارائه تاریخی مختصر از مطالعات شرق شناسی انجام شده تا قرن نوزدهم و شرح فضای فکری حاکم بر آن، به اقدامات دوساسی در گسترش علمی شرق شناسی اشاره می شود. شیوه تحقیق نیز بر پایه اسناد موجود و کتاب ها و مقالات نوشته شده در زمینه تاریخ شرق شناسی است. در راستای پاسخ به این سؤال که «سیلوستر دوساسی در مطالعات اسلامی، به ویژه زبان های شرقی، چه تأثیری داشته است؟» مقاله حاضر در پنج بخش تقسیم شده است: تاریخ شرق شناسی تا قرن نوزدهم، زندگینامه و اقدامات سیاسی دوساسی، اقدامات علمی دوساسی، تأثیر فرهنگی سیلوستر دوساسی، شرق شناسی پس از دوساسی.

۱. تاریخ شرق شناسی تا قرن نوزدهم

شرق شناسی در کشورهای غربی دارای پیشینه ای کهن است. مطالعات انجام شده در مورد شرق، در یونان و روم باستان نیز انجام می شد و برخی آن مطالعات را آغاز مطالعات شرق شناسی دانسته اند. (الحاج، ۲۰۰۲: ۱/۲۸) نوشته های پلوتارک، دیودور سیسیلی، آمینیوس مارسلینوس از مهم ترین منابع برای مطالعه شرق باستان هستند. (ر.ک: بیات، ۱۳۸۱: فصل های اول تا چهارم)

پس از گسترش دین اسلام و پدید آمدن جنبه ایدئولوژیک تقابل فکری میان شرق مسلمان و غرب مسیحی، شرق شناسی در تلاش برای مبارزه با اسلام، ظهور یافت. نوشته های نویسندگان بیژانسی مانند تئوفانس و نیسیتاس که نقدهایی کاملاً سوگیرانه به اسلام داشتند، تلاشی برای مبارزه با شرق - به ویژه مبارزه عقیدتی - هستند. (شایب، بی تا: ۴۰) از افراد شاخص در این دوره می توان به یوحنا دمشقی اشاره کرد که از مشاوران معاویه بود. او با استفاده از مناصب خود در دولت اموی، با نوشتن دو کتاب «راهنمای مسیحیان در جدل با مسلمانان» و کتاب «سخنانی با یک مسلمان» در مبارزه با اسلام، تلاش زیادی انجام داد.^۱

۱. John of Damascus در منابع اسلامی وی با عنوان «منصور بن سرجون» نام برده شده است. برای آشنایی با

از دیدگاه اروپاییان، اسلام در این دوره به عنوان دشمن اصلی مسیحیت و فرقه‌ای مرتد در دین مسیح شناخته می‌شد (Lockman, 2010: 24) در دید نویسندگان این دوره، اسلام هرگز به عنوان یک دین پذیرفته نشد بلکه یکی از هزاران دشمن مسیحیت بود که آن را از همه جهت تهدید می‌نمود. ساوترن معتقد است این دوران، دوره ناآگاهی مطلق نسبت به دین اسلام بوده و نام «عصر بی‌خبری» (Age of Ignorance) را برای آن برگزیده است (Southern, 1962: 14-15). تصویر اهانت‌آمیز از پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام در کمدی الهی دانته، (Dante, 1975: 246) نشان‌دهنده رواج این تفکرات در تمامی جامعه آن روز مسیحیان است (Said, 2003: 69)

در سال ۱۱۴۳ م با حمایت پترس محترم (Peter the Venerable) قرآن به زبان لاتین ترجمه شد که به اعتقاد محققان تلخیصی مشحون از اغراض و نظرات خاص بود. (رامیار، ۱۳۹۰: ۶۶۵) در نگاه پترس، اسلام انشعابی الحادی در دین مسیح بود که با شناخت اشتباهات آن باید با آن مبارزه نمود. (Lockman, 2010: 29) وی که بهترین راه برای مقابله با اسلام را فعالیت‌های تبشیری می‌دانست، (Waardenburg, 1993: 17/737) با هدف مصون ماندن مسیحیان از خطر اسلام به ترجمه قرآن اقدام نمود. (زقزوق، ۱۹۹۷: ۲۵) نزدیک به دو قرن بعد، در کنفرانس وین در سال ۱۳۱۲ م فتوایی مبنی بر آموزش زبان عربی در پنج دانشگاه اروپایی آکسفورد، پاریس، بولونیا، سالامانکا و دانشگاه مرکزی پاپ،^۱ صادر شد. (فوک، ۲۰۰۱: ۳۲)

پس از دوران استعمار نیاز غربیان به مطالعه در مورد شرق، افزایش یافت و با حمایت دولت‌های اروپایی افراد فراوانی به تحقیق پرداختند. آموزش زبان عربی، مسافرت‌های فراوان به شرق، جمع‌آوری میراث اسلامی و نسخ خطی و تک‌نگاری‌هایی در نقد اسلام در زمره این تلاش‌ها است. کرسی آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج، به ترتیب در

جایگاه وی در تاریخ تفکر و کلام مسیحیت رجوع کنید به:

Louth, "John of Damascus", Encyclopedia of Philosophy, vol4, pp836-838

۱. ادوارد سعید در کتاب خود از دانشگاه آوینیون به جای دانشگاه مرکزی پاپ نام برده است. (Said, ۲۰۰۳: ۵۰)

سال‌های ۱۶۳۶ و ۱۶۳۹ میلادی با حمایت مالی دولت انگلستان و به هدف افزایش قدرت تجاری این کشور و گسترش مسیحیت تأسیس شدند. (الطیبی‌وی، ۱۹۹۱: ۲۱) در کشور فرانسه گیوم پوستل (Guillaume Postel) برای اولین بار زبان‌های شرقی را آموخت و مدتی سفیر دولت فرانسه در دولت عثمانی بود. (العقیقی، ۱۹۶۴: ۱۷۱/۱) وی پس از بازگشت به فرانسه، در سال ۱۵۳۹ م در «کولژ دو فرانس» به تدریس پرداخت. (Lockman, 2010: 44) پوستل که داعیه‌دار همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسیحیان و مسلمانان بود، (McCabe, 2008: 15) هدف خود را از این اقدامات، مسلح‌شدن مسیحیان به سلاحی برای مبارزه با مسلمانان، اعلام کرد. (زقزوق، ۱۹۹۷: ۳۰)

به نظر می‌رسد سه ویژگی در مورد مطالعات انجام‌شده در مورد شرق توسط غربیان، قابل ذکر است. اول: غلبه دیدگاه‌های مسیحی و فعالیت‌های تبشیری که اصطلاحاً می‌توان بر آن استشراق کلیسایی نام نهاد. دوم: بسیاری از مطالعات انجام‌شده تا این دوران به صورت فردی بوده و این مطالعات به جریانی علمی تبدیل نشده است. سوم: بیشتر افرادی که زبان‌های شرقی را فرامی‌گرفتند از طریق حضور در کشورهای شرقی و آموختن زبان‌های این منطقه از عوام بود، نه از طریق مراجعه به کتب اصلی و مرجع زبان‌های شرقی. این وضعیت تا پیش از انقلاب فرانسه که مراکزی برای آموزش علمی زبان‌های شرقی تأسیس شد، همچنین حمله ناپلئون به مصر که موجب رابطه نزدیک غربیان با مسلمانان گردید، ادامه داشت.

پس از انقلاب فرانسه و لشکرکشی ناپلئون به مصر، وی تعدادی شرق‌شناس را به مصر برد که نتیجه آن نوشته شدن کتاب «وصف مصر» (Description de L'Egypt) بود که در طی سال‌های ۱۸۰۹ تا ۱۸۲۸ - میلادی در ۲۳ جلد به چاپ رسید. آشنایی علمای اروپایی با مشرق زمین باعث شد علم شرق‌شناسی، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، مطالعه ادیان و مذاهب و تاریخ مشرق پایه‌گذاری شود. (فرمانفرمایان، ۱۳۸۴: ۱۶۰). عبدالهادی حائری، پژوهش‌های اسلام‌شناسی پس از این دوران را تا اندازه‌ای واقع‌گرایانه‌تر نسبت به گذشته می‌داند. (حائری،

از اواخر قرن نوزدهم میلادی مستشرقان به تأسیس مراکز و مؤسسات شرق‌شناسی روی آوردند که می‌توان آن را تحولی عظیم و شرق‌شناسی علمی نامید. با نگاهی به مؤسسات ایجاد شده در این دوران، می‌توان به گسترش و یکپارچه شدن مطالعات شرقی در غرب پی برد. در این دوران، شرق‌شناسی به عنوان یک رشته دانشگاهی و در شکل مراکز مختلف مطالعاتی ادامه یافت که کشور فرانسه یکی از اصلی‌ترین این مراکز به شمار می‌رود (Lockman, 2010: 68) و فردی که در ایجاد این تحول نقشی اساسی ایفا نمود، سیلوستر دوساسی بود.

۲. زندگینامه و اقدامات سیاسی دوساسی

«آنتوان ایزاک سیلوستر دوساسی» (1758-1838) (Antoine Isaac Silvestre de Sacy) در ۲۱ سپتامبر سال ۱۷۵۸م، در پاریس زاده شد و پس از عمری تلاش علمی در سال ۱۸۳۸ م از دنیا رفت. پدرش کاتب دستورات دولتی در لوشاتلیه بود. در دوازده‌سالگی زبان عبری را فراگرفت. یکی از راهبان بندیکتی به نام برترو (Dom Berthereau) وی را تشویق کرد تا دیگر زبان‌های سامی را فراگیرد و دوساسی نیز به آموختن زبان‌های عربی، ترکی و فارسی نزد او پرداخت. (Derenbourg, 1859: 15) او در دانشکده حقوق دانشگاه پاریس تحصیل کرد و دیگر زبان‌های اروپایی مانند آلمانی، انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی را فراگرفت و توانست به بیست زبان مسلط شود. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۱۲۸/۱۷)

دوساسی در سال ۱۷۸۵ م به دستور لویی شانزدهم در جایگاه یکی از هشت عضو جمعیت نشر گنجینه‌های کتب خطی شرقی در کتابخانه ملی پاریس منصوب شد (Derenbourg, 1859: 17) و در سال ۱۷۹۱ م به دستور پادشاه به عنوان «مشاور ارشد در امور مسکوکات» (Commissaire Général des Monnaies) به کار مشغول شد. او در سال ۱۷۹۲ م به دلیل وضعیت انقلابی جامعه آن روز فرانسه، از دیوان مسکوکات استعفا داد و عضو آکادمی نسخ خطی گردید و بعدها در سال ۱۸۳۳ م به عضو دائم این مؤسسه تبدیل شد. (Rabi, 2005: 12/382) در دوران انقلاب فرانسه، دوساسی به دلیل تمایلات سلطنت‌طلبانه و سابقه خدمات خانوادگی خود

در دربار پادشاه، خود را از خطرات ناشی از فضای ایجادشده در آن دوران مصون نمی‌دید، مدتی مخفی شد. (Derenbourg, 1859: 18)

پس از انقلاب فرانسه، مجلس کنوانسیون تصویب نمود که مدرسه‌ای عمومی برای تدریس زبان‌های زنده شرقی تأسیس شود. لویی ماتیو لانگلس (Louis-Mathieu Langlès) در سال ۱۷۹۵ م در خطابه‌ای به اهمیت آموزش زبان‌های شرقی در فرانسه اشاره نمود. بر همین اساس تصویب شد که در محل مجلس، کتابخانه ملی فرانسه «مدرسه زبان‌های زنده شرقی» تأسیس گردد. لانگلس این مدرسه را در خدمت رسانی به اهداف استعماری و انقلابی دولت فرانسه تأسیس کرد. (ساجدی، ۱۳۸۴: ۳۱) این مدرسه با هدف گسترش روابط با شرق و تربیت مترجمین متخصص و آشنا به زبان‌های شرقی که بتوانند کتاب‌های شرقی را به زبان‌های اروپایی ترجمه کنند تأسیس شد. (فریمو، ۱۹۹۱: ۳۲) در این مدرسه در سال ۱۷۹۵ میلادی آموزش زبان عربی آغاز شد و در همان سال آموزش زبان‌های فارسی و ترکی در دستور کار قرار گرفت. بعدها در سال ۱۸۱۲ م زبان ارمنی، در سال ۱۸۳۰ میلادی زبان هندوستانی و در سال‌های بعد دیگر زبان‌های آسیایی نظیر چینی نیز اضافه شد. (Macfie, 2002: 34)

لانگلس از انقلابیون بود و با وجود اینکه از تمایلات پادشاهی دوساسی اطلاع داشت، از او برای تدریس زبان عربی در مدرسه زبان‌های شرقی دعوت نمود. (فوک، ۲۰۰۱: ۱۴۳) پس از تأسیس این مدرسه، لانگلس به تدریس زبان فارسی و دوساسی، به آموزش زبان عربی پرداختند. (Derenbourg, 1859: 19) این مدرسه مورد توجه بسیاری از علاقه‌مندان به مطالعه در زمینه زبان، فرهنگ و تاریخ شرق قرار گرفت و بسیاری از مستشرقان معروف اروپایی از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند. شهرت این مدرسه و مدرس زبان عربی آن، باعث شد دولت آلمان، افرادی را برای آموختن زبان‌های شرقی نزد دوساسی به پاریس بفرستد. (Wokoek, 1945: 115)

بسیاری از شاگردان دوساسی به عنوان مستشاران سیاسی فعالیت می‌کردند که نمونه‌های آنها در حمله ناپلئون به مصر فعالیت داشتند. (Said, 2003: 83) پیر جوهر (Pierre Amédée)

Emilien Probe Jaubert) مترجم دستورها در مصر و مشاور مورد علاقه ناپلئون در امور شرق، فارغ‌التحصیل مدرسه زبان‌های شرقی و از شاگردان دوساسی بود. (-230: 2000 de Groot, 2000) (231) دوساسی در فتح الجزایر به‌طور مستقیم نقش داشت. (89: 2010 Lockman) نکته قابل توجه در مورد زندگی وی، عجین شدن زندگی او با اتفاقاتی است که تاریخ زندگانی بشری را تغییر دادند. انقلاب فرانسه، دوران حکومت ناپلئون و فتح مصر اتفاقاتی بودند که اهمیت آنها در تاریخ تفکر بشری بر کسی پوشیده نیست؛ او با نبوغ بالایی که داشت از هر فرصتی برای پیش بردن اهداف خود استفاده نمود و شرق‌شناسی را به یک رشته علمی در سطح دانشگاهی تبدیل کرد. جمعیت آسیایی و مدرسه زبان‌های زنده شرقی که بسیاری از برجسته‌ترین مستشرقان معروف از آن فارغ‌التحصیل شدند نقش مهمی در جدایی مطالعات شرق‌شناسی از سلطه کلیسا داشتند.

۳. اقدامات علمی دوساسی

دوساسی یکی از پرکارترین مستشرقان بود و اقدامات علمی وی تاکنون از مهم‌ترین و بهترین کارهای علمی به شمار می‌روند. او در زمینه تألیف، ترجمه، تصحیح کتاب و احیای نسخ خطی شرق و حتی خواندن نقش برجسته‌های ایران به فعالیت مشغول بود که در ادامه به فعالیت‌های وی اشاره خواهد شد:

۳-۱. تألیفات

اصلی‌ترین کتاب دوساسی، کتاب نحو عربی برای استفاده دانش‌آموزان مدرسه زبان‌های شرقی (Grammaire arabe à l'usage des élèves de l'Ecole spéciale des langues orientales vivantes) بود که در سال ۱۸۱۰ میلادی به چاپ رسید. در ماده شماره ۴ اساس‌نامه مدرسه زبان‌های شرقی قید شده بود؛ مدرسان مدرسه مذکور کتابی را در مورد ادبیات زبان‌های تدریسی خود بنویسند که بر این اساس دوساسی این کتاب را تألیف نمود. (Derenbourg, 1859: 21) کتاب دوساسی بهترین و کامل‌ترین کتاب آموزش زبان عربی تا آن زمان بود و تا به

امروز نیز یکی از بهترین کتاب‌ها در این زمینه است. این کتاب تا سال‌ها متن درسی آموزش عربی در مدرسه زبان‌های شرقی بود. دوساسی شرحی به زبان فرانسوی بر لامیه العرب^۱ نگاشت. (الحوالی، ۱۴۰۲: ۲۰۷)

مذهب دروزیان از دیرباز مورد توجه و علاقه سفرنامه‌نویسان، دانشمندان و سیاستمداران بوده است. (Hirschberg, 1976: 330) در سال ۱۷۰۰ م یک دانشمند علوم طبیعی و لبنانی به نام نصرالله بن گیلدا، که می‌دانست دولت فرانسه در برابر اهدای کتب خطی در مورد شرق پاداش خوبی می‌دهد، کتاب‌هایی را در مورد دروزیان به لویی چهاردهم اهدا نمود. لویی چهاردهم به «پتی دو لاکروا» (Pétis de La Croix) دستور داد تا آنها را به فرانسوی ترجمه نماید. (Dew, 2009: 34) دوساسی کتابی با نام «دروزیان لبنان و عقاید آنها، بخش‌هایی از کتاب‌های این دین و زندگی الحاکم بامر الله»^۲ نوشت و کتاب‌های اهدایی به لویی چهاردهم را دوباره ترجمه کرد که در چهار جلد منتشر شد. (نوری، ۱۳۴۵: ۱۷۹)

اخوان‌الصفاء مجموعه رسائلی هستند که به اعتقاد بسیاری، نویسندگان آنها اسماعیلی مذهب بودند. (الفاخوری و الجبر، ۱۹۹۳: ۲۲۷/۱) دوساسی با توجه به آشنایی با اسماعیلیان، تلخیصی از این رسائل را در سال ۱۸۳۷ م به زبان فرانسه منتشر نمود. (بیومی، ۱۳۵۹، المجلد الحای عشر، الجزء ۱: ۶۲۳) دیگر کتاب دوساسی، «تاریخ فرقه حشاشین و بحثی در مورد نام آنها» (Mémoire sur la dynastie des Assassins et sur l'origine de leur nom) در سال ۱۸۰۹ میلادی نوشته شد. این کتاب درباره اسماعیلیان در ایران نوشت شده است. به اعتقاد فرهاد دفتری این کتاب با اتکا بر منابع غیرشیعی، اعم از اهل سنت و مورخان مسیحی، نوشته شده است. (Daftary, 2004: 92)

۱. لامیه العرب توسط «عمرو بن مالک الشنفری» در عصر جاهلی سروده شده بود و ادیبان زیادی مانند ثعلب، ابن درید و زمخشری و عبدالله العکبری بر آن شرح نوشته‌اند. (بروکلمان، ۱۹۸۳: ۱۰۷/۱)

2. Exposé de la religion des druzes, tiré des livres religieux de cette secte, et précédé d'une introduction et de la Vie du khalife Hakem-biamr-Allah

دوساسی در سال ۱۷۹۳م کتاب یادداشت‌هایی درباره ایران باستان را منتشر نمود که ترجمه فرانسوی بخش ساسانیان کتاب روضه الصفا را به آن ضمیمه نمود. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۱۲۸/۱۷) دوساسی در ادبیات فارسی نیز توانمند بود. وی در سال ۱۸۱۹ میلادی بر پندنامه عطار مقدمه‌ای به زبان فارسی نوشت. (عطار، ۱۳۸۰: مقدمه سیلواستر دوساسی) همان‌طور که دهخدا نیز به این موضوع اشاره نموده، این نثر نشان‌دهنده توانایی والای وی در نوشتن به فارسی فصیح است. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۱۲۷/۱۷) همچنین، او برخلاف بسیاری از مفسران اشعار عارفانه، معتقد بود اشعار عرفا، به‌ویژه حافظ را باید بر معنای حقیقی آنها حمل نمود و در نتیجه در نظر او بسیاری از شاعران به می‌خوارگی اشتغال داشته‌اند. (خواج‌نوری، ۱۳۷۸: ۸۱)

۲-۳. تصحیح و انتشار کتاب‌های اسلامی

الفیه ابن‌مالک در علم نحو توسط محمد بن مالک اندلسی در قرن هفتم سروده شد و شروح فراوانی بر آن نگاشته شده است. (ابن‌عقیل، ۱۴۰۰: ۱/۶-۸) به دلیل اهمیت و نیاز غربیان به مطالعه منابع اصلی عربی، این شعر در سال ۱۸۳۳ میلادی با شرح و تعلیقات دوساسی به چاپ رسید. (D'Ebn Malec, *Alfiyya ou la Quintessence de la Grammaire Arabe*)

مقامات حریری نوشته قاسم بن علی بن محمد الحریری از ادیبان قرن پنجم و ششم، به دلیل تخصصی که در علم نحو و لغت داشت معروف است؛ دوساسی بر این کتاب شرحی مفصل نگاشت و موارد و فواید فراوانی بر آن اضافه نمود. (محمد ابوالفضل، ۱۴۱۸: ۱۶۹۳) ادوارد براون این تحقیق و شرح را ماندگار و عظیم (Monumental) توصیف کرده است. (Browne, 1977: 359) شیخ ناصف یازچی، از ادبای لبنان و نویسنده کتاب *العقد الجمان*، پس از چاپ این کتاب نامه‌ای انتقادی و دقیق به دوساسی نوشت و در آن ملاحظات ادبی جالبی اظهار نمود. (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ۱۷۶/۱) دوساسی دیگر کتاب حریری با عنوان *دره الغواص فی اوهام الخواص* را در سال ۱۸۲۹ منتشر کرد. (بکور، ۱۴۲۱: ۲۲۳/۴)

لبید بن ربیعہ العامری از شاعران معروف عرب پیش از اسلام بود که به همراه قبیله خود

اسلام آورد، او را از صحابه دانسته‌اند که پس از اسلام، به جز یک بیت، دیگر شعری نسرود. (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۳/۱۳۳۵؛ اصفهانی، بی‌تا: ۹۰/۱۴-۹۸) وی به دلیل سخاوت و اشعاری که در فضایل اخلاقی داشته است، شهرت دارد. (ابن قتیبه، ۱۹۸۲: ۱/۲۷۴) دوساسی دیوان «لبید بن ربیعہ العامری» را جمع‌آوری و تصحیح نمود. (عبدالرحمن، ۱۳۵۹: ۲۴۷)

دوساسی کتاب الانیس المفید للطالب المستفید و کتاب جامع الشذور من نظم و منثور را که در مورد تاریخ مصر نوشته شده‌اند، تصحیح نمود. (محفوظ، ۱۳۵۶: ۳۵۴) او بخش‌هایی از کتاب السلوک لمعرفة دول الملوک نوشته مقریزی را به کتاب الانیس المفید ضمیمه کرد. (عبدالقادر، ۱۴۱۵: ۱۰۵) وی در دوران عضویت در جمعیت نشر گنجینه‌های خطی شرقی، دو رساله در مورد تاریخ قدمای عرب و چهار کتاب به زبان عربی در مورد فتح یمن تصحیح کرد و بر آن تعلیقه نوشت. (العقیقی، ۱۹۶۴: ۱/۱۷۹) وی این کتاب را با عنوان یادداشت‌هایی از وقایع اتفاق افتاده در میان اعراب تا پیش از محمد [ص] منتشر نمود. (Mémoire sur divers événements de l'histoire des Arabes avant Mahomet (1803))

آشنایی دوساسی با دروزیان موجب شد او به اهمیت کتاب النقط و الدوائر در این مذهب پی ببرد. به پیشنهاد او سیلد، از شاگردان وی و استاد دانشگاه توینگن، این کتاب را بر اساس دو نسخه خطی قدیمی تصحیح نموده و آن را به همراه دو رساله دیگر از مؤلف کتاب النقط و الدوائر به چاپ رساند. (محفوظ، ۱۳۵۶: ۸۱۰) وی کتاب کیله و دمنه را برای اولین بار منتشر نمود و آن را از آثار بوذرجمهر می‌دانست. (اسکندری، ۱۹۹۲: ۵/۴۹۴) این اثر از تمامی چاپ‌هایی که از این کتاب شده، بهتر بوده و در زمان محمدعلی پاشا در مصر به چاپ رسیده است. تمامی چاپ‌های بعدی این کتاب در مصر و سوریه، از همین تصحیح گرفته شده‌اند. (همان: ۲۱۳/۴)

۳-۳. ترجمه آثار

دوساسی کتاب میخائیل صباغ را با عنوان مسابقه البرق و الغمام فی السعاه الحمام (در سال ۱۸۰۱ م.) به فرانسوی ترجمه نمود و در سال ۱۸۰۷ م در نامه‌ای به وزیر کشور فرانسه از صباغ^۱ و دانش وی به زبان عربی تجلیل کرد. پس از موافقت وزیر و لانگلس - رئیس وقت مدرسه - صباغ طی سال‌های ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۶ م در مدرسه زبان‌های زنده شرقی به تدریس زبان عربی و استنساخ نسخ خطی عربی مشغول شد و بسیاری از نسخ خطی موجود در کتابخانه این مدرسه، به خط وی هستند. (مقداد، ۱۹۹۲: ۷۳) صباغ کتابی در علم عروض ادبیات عرب نوشت و آن را به دوساسی اهدا نمود. (توماشی، ۱۳۵۲: ۱۴۲)

دوساسی، نامه امیر تیمور گورکانی را به شارل ششم، پادشاه فرانسه، به زبان فرانسوی ترجمه نمود و در مجله آکادمی فرانسه به چاپ رساند. محمد قزوینی، مصحح مشهور، در مقاله‌ای که در ماه رمضان ۱۳۳۹ قمری در پاریس نوشته است، عکس این نامه را به همراه توضیحات دوساسی منتشر نموده است. محمد قزوینی نوشته دوساسی را «تحقیقات دقیقه انیقه» وصف نموده و معتقد است که «هر آنچه را که در خصوص باید گفته شود او [دوساسی] گفته است». (قزوینی، ۱۳۶۲، ۱/۱۴۶-۱۵۹)

دوساسی کتاب «سر الخلیفه و صنعہ الطبیعه» را ترجمه و شرح نمود. (نصر، ۱۳۴۱: ۱۵۴-۱۵۵) این کتاب توسط آپولونیوس در سال ۲۱۸ ق. در دوران مأمون عباسی و در موضوع کیمیا و طب نوشته شد. از خصوصیات این کتاب این است که مستقیم به زبان عربی نگاشته شده و از زبان یونانی ترجمه نشده است.

۳-۴. نوآوری‌های علمی

دوساسی نه تنها در امر آموزش زبان عربی تأثیرگذار بود بلکه توانست در ادبیات عرب نیز

۱. نویسنده کتاب مسابقه البرق و الغمام فی السعاه الحمام، میخائیل بن نقولا بن ابراهیم صباغ (۱۷۷۵-۱۸۱۶ م)

سهمی داشته باشد. برخی مدعی شده‌اند، واژه «جدول» به معنای حفر جدول، توسط او وارد زبان عربی شده است. (الشهابی، ۱۳۸۵: ۷۲۰/۴) در مورد جایگاه متنبی در تاریخ ادبیات عرب اختلاف نظر وجود دارد. برخی متنبی را از بزرگ‌ترین شعرای عرب و برخی جایگاه او را توهمی دانسته‌اند. نیکولسون با دوساسی و بسیاری از مستشرقان هم‌سخن گشته و معتقد است متنبی باید در برابر شاعرانی مانند ابو نواس و ابوالعتاهیه سر تسلیم فرود آورد. (Nicholson, 1907: 308)

در مورد مملقات سبع - از معروف‌ترین اشعار در تاریخ ادبیات عرب - داستان‌های فراوانی بیان شده است. دوساسی این داستان‌ها را پذیرفت. نیکولسون به نقد این نظریه پرداخته و آنچه را که در مورد مملقات سبع بیان شده بی‌اساس می‌داند. (Nicholson, 1907: 102)

در مورد ریشه واژه اساسین^۱ در زبان‌های غربی اختلاف وجود دارد. ادوارد براون احتمالات مختلفی برای این واژه بیان نموده است و احتمال اشتقاق این واژه از «حسینون» به معنای طرفداران حسن [صبح] را بیان نموده است. (Browne, 1977: 204-205) دوساسی در مورد ریشه این واژه بحثی مفصل کرده و ثابت می‌کند، ریشه واژه «اساسین» واژه «حشیش» در زبان عربی است که در نوشته‌های مورخان دوران جنگ‌های صلیبی به‌وفور استفاده شده است (Daftary, 2005: 35) ادوارد براون نیز دیدگاه دوساسی در این زمینه را می‌پذیرد (Browne, 1977: 205). فرهاد دفتری اقدام دوساسی در مورد ریشه‌شناسی این کلمه را اقدام نهایی در حل معمای این واژه دانسته است. (Daftary, 2007: 23) علاوه بر این او با دیدگاه غالب آن زمان در مورد استفاده از حشیش توسط فدائیان اسماعیلی به مخالفت برخاست و آن را سلاحی مختص اسماعیلیان نمی‌دانست که این دیدگاه بعدها توسط برنارد لوئیس و مارشال هاجسن پذیرفته شد. (Daftary, 2007: 23-24) نادیا ابوجمال^۲ با دیدگاه دوساسی مبنی بر انقراض اسماعیلیان پس از حمله مغول مخالفت کرده و این دیدگاه را بر پایه منابع

۱. Assassin در زبان انگلیسی به معنای قاتل و آدمکش

۲. ابوجمال کتاب خود را برای اثبات ادامه حیات اسماعیلیان پس از مغولان نوشته است.

غیر اسماعیلی می‌داند (Eboo Jamal, 2002: 4)

دوساسی در سال ۱۷۹۱ م و در منصب مشاور ارشد در امور مسکوکات، از یک سنگ نبشته به زبان پهلوی کشف رمز نمود. (Rabi, 2005: 12/382) وی راه آنکتیل دوپرون را در خواندن متون اوستایی و سکه‌های به‌جامانده از دوران ایران باستان ادامه داد (فکری ارشاد، ۱۳۵۱، شماره ۱۱۶: ۵۹) و از شرق‌شناسانی مانند گرتفند و سن هیلر کمک گرفت. (سامی، ۱۳۵۱: ۱۸۸) او همچنین سنگ نبشته‌های نقش رستم را خواند. (Browne, 1977: 70) وی کتاب دساتیر را جعلی می‌دانست و در نوشته‌ای بی‌هودگی ادعاهای ارائه‌شده در مورد این اثر را به اثبات رساند. (Browne, 1977: 53)

۳-۵. شاگردان

دوساسی شاگردان فراوانی از کشورهای مختلف اروپایی داشته است، برخی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاگردان دوساسی عبارت‌اند از:

جان فرانسوا شامپولین (Jean-François Champollion): عضو جمعیت آسیایی پاریس بود و به کمک دوساسی توانست خط هیروگلیف مصری را رمزگشایی نماید و آن متون را بخواند. (المعلوف، ۱۳۴۱: ۲۵۸)

کارل یوهان تورنبرگ: از مستشرقان معروف سوئدی و استاد دانشگاه لند در سوئد بود. قرآن را به زبان سوئدی ترجمه نمود و کتاب‌های الکامل فی التاریخ، الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس را تصحیح نمود. وی همچنین فهرستی از نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی موجود در کتابخانه دانشگاه اویسالا تهیه نمود. (سترستین، ۱۳۴۳: ۴/۴۴۴)

هاینریش فلاشر (Heinrich Leberecht Fleischer (1801-1888)): در دانشگاه لایپزیگ در رشته الهیات فارغ‌التحصیل شد و پس از آن طی سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۲۸ م شاگرد دوساسی

در مدرسه زبان‌های شرقی بود. وی را مؤسس مطالعات اسلامی و عربی در آلمان می‌دانند. فلاشر از مؤسسان جمعیت شرق‌شناسان آلمانی بود که نشریه این مؤسسه (ZDMG)^۱ تا سال‌های یکی از نشریات معتبر شرق‌شناسی به حساب می‌آمد. (کرال، ۱۹۶۶: ۱۵) وی نقش بسزایی در ایجاد کرسی عربی دانشگاه لایپزیگ داشت. (Macfiee: 2002: 36)

گئورگ فرایتاگ (Georg Wilhelm Freytag (1788-1861)): در دانشگاه گوتینگن در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و طی سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۹ م زبان‌های شرقی را نزد دوساسی فراگرفت. در سال ۱۸۱۹ میلادی و پس از بازگشت به آلمان، به کرسی زبان‌های شرقی در دانشگاه بن، دست یافت. کتاب‌هایی مانند «فاکهه الخلفا و مفاکهه الطرفاء» نوشته ابن عربشاه و تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل قاضی بیضاوی را تصحیح کرد و در تصحیح معجم البلدان با ووستنفلد همکاری نمود. (العقیقی، ۱۹۶۴: ۶۹۸/۲)

گوستاو فلوگل (Gustav Flügel (1802-70)): به او لقب پربازده‌ترین مستشرق داده‌اند. (بدوی، ۱۹۹۳: ۴۱۱) کتاب‌های الکندی، فیلسوف عرب، مطالعه‌ای در مورد زندگی و دوران وی، فهرست نسخ خطی عربی، فارسی، ترکی، سریانی و حبشی موجود در کتابخانه قصر و دولت در مونیخ، زندگانی و مؤلفات سیوطی، تاریخ عرب در سه جلد از نوشته‌های علمی او هستند. علاوه بر این تصحیح و ترجمه فهرست ابن ندیم، متن عربی قرآن چاپ لیدن، تصحیح تعریفات سید شریف جرجانی و تصحیح کتاب کشف الظنون حاجی خلیفه در هفت جلد از عمده‌ترین تلاش‌های وی برای انتشار کتاب‌های اسلامی است. برجسته‌ترین کتاب وی فهرست موضوعی قرآن است که تمامی فهرست‌های موضوعی بعدی قرآن الهام‌گرفته از این کتاب فلوگل به شمار می‌روند.

۴. تأثیر فرهنگی سیلوستر دوساسی

رابطه دوساسی با مقامات دولتی بسیار قوی بود. انتصاب‌های وی توسط لویی شانزدهم نشان از رابطه قوی او با پادشاه دارد. در دوران ناپلئون او در سمت مشاور، جایگاه والایی داشت. نقل شده است ناپلئون هرگاه او را می‌دید با جمله «عربی چطور است؟»^۱ با او شوخی می‌نمود. (Derenbourg, 1859: 23) نامه وی به وزیر کشور فرانسه در مورد به‌کارگیری صباغ و پذیرفته شدن نظر او، نشان‌دهنده احترام دولتمردان به او و خواسته‌های او است.

تأثیر دوساسی بر جریان استشراق و اهمیت بالای نظرات وی به حدی بود که نظریات وی تلقی به قبول می‌شدند. او معتقد بود سنگ‌نبشته‌های باقی‌مانده از ملوک حمیر را باید از چپ به راست خواند. این نظر در جامعه علمی آن زمان، به دلیل سلطه نظرات او، مورد پذیرش بود تا اینکه امیل رودیگر، (Emil Rödiger) استاد زبان‌های شرقی دانشگاه هاله، به کمک دو نسخه خطی به‌جامانده از آن دوران ثابت نمود این سنگ‌نبشته‌ها را باید از راست به چپ خواند. (Nicholson, 1907: 8)

دوساسی با بسیاری از سفیران دولت فرانسه در شرق، رابطه داشت. به نوشته دکتر شفیق ویرانی - استاد دانشگاه تورنتو - جان بابتیست روسو، سرکنسول فرانسه در حلب، در سال ۱۸۰۹ میلادی در نامه‌ای به دوساسی در مورد شاخه نزاری اسماعیلیان ساکن در سوریه، به قتل عام آنها توسط نُصَیریان اشاره نموده است. روسو بعدها در سفری که به ایران داشت از **کهک و قم** دیدار داشته و در نامه خود به دوساسی اطلاعاتی در مورد شیعیان ارائه نموده است. روسو در این نامه نامی از امام صادق علیه‌السلام نیز برده است. دوساسی این نامه را در انتهای کتاب خود در مورد دروزیان نقل نموده است. (Virani, 1993: 9)

ادوارد سالیسبوری^۲، بنیان‌گذار و استاد زبان عربی در دانشگاه ییل آمریکا، که از همان

1. Comment va l'arabe?

۲. وی Edward Elbridge Salisbury (۱۸۱۴-۱۹۰۱) در سال ۱۸۴۱ در جایگاه استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی

دانشگاه فارغ‌التحصیل شده بود برای آموزش زبان سانسکریت و عربی به اروپا سفر کرد. وی زبان سانسکریت را در دانشگاه آکسفورد و زبان عربی را نزد دوساسی فراگرفت. (Foster, ۱۷۷۰-۱۹۳۰: ۱۸) پس از مرگ دوساسی، کتابخانه شخصی او به حراج گذاشته شد و سالیسبوری تعداد زیادی از آنها را خریده و پس از انتقال به آمریکا به کتابخانه دانشگاه بیبل اهدا نمود. (نموی، ۱۴۰۴: ۱۵۳/۵)

آشنایی گوتته با ادبیات شرق و به‌ویژه حافظ را باید در اقدامات شرق‌شناسان آن زمان دانست. گوتته با خواندن ترجمه آلمانی دیوان حافظ توسط هامر پورگشتال، شیفته ادبیات شرق شد. (بزرگ علوی، ۱۳۱۰: ۳۶۰) به دلیل شهرت دوساسی در اروپا و تأثیر شگرف وی بر شناخت شرق، گوتته دیوان شرقی خود را به **دوساسی** تقدیم نمود. (ساجدی صبا، ۱۳۷۹: ۱۵) گوتته در نامه‌ای که در آن کتاب را به او اهدا نموده بود، خطاب به دوساسی می‌نویسد: «ای کتاب به سوی استاد کبیر سفر کن و سلام من را به او برسان» (فتوح، ۱۳۶۱: ۶۹)

فردیک شلگل، فیلسوف آلمانی سده هجدهم و نوزدهم، که نظریات بسیار مغرضانه‌ای نسبت به اسلام داشته است و هدف خود را نوشتن انجیلی جدید و راه رفتن در مسیر مارتین لوتر و محمد [ص] می‌دانست،^۱ نظریات خود در مورد اسلام و شرق را بر اساس نوشته‌ها و ترجمه‌های مستشرقان معروف مانند **دوساسی** و ویلیام جونز انجام داد. (Almond, 2010: 102)

شهرت کتاب نحو عربی دوساسی تا بدان حد بود که کاپیتان گزنستانسین اولیتیلنیانو از افسران ارشد لشکر رومانی که زبان عربی را نیز فرا گرفته بود، بسیاری از کتاب‌های مستشرقان در مورد زبان عربی را در کتابخانه خود داشت که یکی از آنها کتاب نحو عربی دوساسی بوده است. (میرتشا انگلسکو، ۱۹۷۸: ۹۶)

دانشگاه بیبل منصوب شد.

۱. از این عبارت شلگل می‌توان فهمید که وی معتقد بوده است پیامبر اسلام ﷺ به مانند مارتین لوتر تحریفی در دین مسیحیت ایجاد نمودند.

دوساسی افزون بر اروپاییان، بسیاری از مسلمانان را نیز مجذوب خود نمود. رفاعه طهطاوی - که او را پدر روشنفکری جهان عرب می‌دانند - به دیدار با دوساسی اشاره نموده و او را با اوصافی والا ستوده و از دانش وی نسبت به دو زبان عربی و فارسی سخن گفته است. (الطهطاوی، ۱۹۹۳: ۱۶۰/۲-۱۶۱) طهطاوی با دی برسفال و رینو که هر دو از شاگردان دوساسی بودند دیدار داشته است. (حافظ، ۱۴۱۶، الجزء ۷۸: ۸۷-۸۸) طهطاوی تحت تأثیر مستشرقانی که با آن‌ها دیدار داشت و همچنین فضای ایجاد شده در مصر پس از حمله فرانسه، با تاریخ و تمدن مصر باستان آشنا شد که باعث تشدید حس وطن‌پرستی در وی گردید. بسیاری از نظریات طهطاوی در مورد تبعیت بی چون و چرا از غرب تحت تأثیر فضای ایجاد شده در کشور مصر پس از فتح این کشور است. (عنایت، ۱۳۵۸: ۲۸)

۵. شرق‌شناسی پس از دوساسی

دوساسی افزون بر جایگاه فرهنگی، جایگاه علمی و سیاسی والایی داشت. برجسته‌ترین و اصلی‌ترین تأثیر او را می‌توان در تحول آموزش زبان عربی دانست. مطالعات انجام‌شده توسط غربیان به‌ویژه در مورد زبان‌های شرقی، بیشتر جنبه فردی داشت که از طریق مسافرت و حضور در کشورهای عربی انجام می‌گرفت. با اقدامات دوساسی و انتشار کتاب‌های مرجع زبان عربی و نوشتن کتابی علمی در آموزش زبان عربی، آموزش زبان عربی به سوی مطالعه بر مبنای کتب اصلی و مرجع پیش رفت.

اقدامات دوساسی در تصحیح کتاب‌های شرقی توسط شاگردان وی مانند کاترمیر و گوستاو فلوگل ادامه پیدا کرد. بسیاری از مصححان بزرگ اروپایی مانند ووستنفلد و دخویه از شاگردان با واسطه دوساسی بودند. دوساسی از این حیث در مستشرقان بعد از خود مؤثر بوده است. محمد کرد علی معتقد است این افراد با اهمیتی که در آموزش و انتشار کتاب‌های مسلمانان داشتند نقش اساسی در شناساندن تمدن اسلامی، حتی به خود مسلمانان داشتند. وی می‌نویسد «اگر این افراد نبودند ما از تمدن آبا و اجدادی خود اطلاعات بسیار

کمی داشتیم». (کرد علی، ۴۶/۱۳۴۷۵) پس از تأسیس چاپخانه بریل در سال ۱۸۱۲ میلادی کتاب‌های اسلامی به سرعت در اروپا منتشر گردیدند و این خود مقدمه‌ای برای اسلام‌شناسی علمی در اروپا قرار گرفت.

دوساسی با روش خود در تدریس و تأسیس مدرسه مطالعات شرقی و جمعیت آسیایی پاریس، باعث شد جریان مطالعات عربی در اروپا به علمی مستقل تبدیل شده و تعصب مسیحی از آن زدوده شود. در واقع در این دوران میان آموزش زبان عربی به عنوان مطالعه زبان‌های شرقی با مطالعات مذهبی و اعتقادی در مورد شرق و شرقیان تفکیک و جدایی ایجاد شد. (Wokoek, 1945: 87) تأثیر دوساسی در جریان استشراق را باید در گستردگی و اقدامات شاگردان وی جستجو کرد. (فوک، ۲۰۰۱: ۱۵۱) آنچه اهمیت و جایگاه او را در تاریخ شرق‌شناسی نشان می‌دهد، آن دسته از شاگردان وی می‌باشند که پس از اتمام تحصیلات نزد او، به فعالیت علمی مشغول شدند. بسیاری از مستشرقان بزرگ اروپایی از فارغ‌التحصیلان بی‌واسطه یا با واسطه مدرسه زبان‌های شرقی و از شاگردان دوساسی هستند. شاگردان وی روش او را در آموزش ادامه دادند. (Lockman, 2010: 68) روش او در آموزش زبان‌های شرقی در آلمان، به «مذهب دوساسی» معروف شد. (De Sacy Cult) این گروه تنها شاگردان دوساسی و یا شاگردان آنها را که دقیقاً به روش دوساسی پایبند باشند، شرق‌شناس واقعی می‌دانستند. (Wokoek, 1945: 133)

تأثیر واقعی دوساسی را باید در آلمان دنبال نمود به طور مثال مستشرقان معروف و صاحب مکتب بعدی آلمانی مانند نولدکه و گلدزیهر شاگرد فلیشر تحت تأثیر دوساسی بودند. (یوسف، ۱۳۶: ۱۴۱۸) شاید بتوان گفت دلیل اینکه مطالعات اسلامی در کشور آلمان نسبت به دیگر کشورهای اروپایی از عمق و وسعت بیشتری برخوردار بوده، تأثیرات دوساسی و شاگردان او است.

نتیجه

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان تأثیر دوساسی در جریان شرق‌شناسی را در موارد زیر خلاصه نمود.

- دوساسی با دانش وافر خود از زبان‌های شرقی و نوشتن کتابی علمی در آموزش زبان عربی و همچنین انتشار کتاب‌های مرجع ادبیات عربی و فارسی، توانست جریان علمی را در مطالعه این زبان‌ها ایجاد کند. مطالعه زبان‌های شرقی تا پیش از او با حضور در کشورهای شرقی میسر بود؛ اما پس از آن غربیان توانستند زبان‌های شرقی را در کشورهای خود و با مراجعه به کتاب‌های اصلی فراگیرند و یادگیری زبان دیگر بدون سفر در منطقه زندگی فرد، فراهم گردید.
- دوساسی با سیاستمداران آن روز رابطه خوبی داشت و نقش او و هم‌فکرانش، واردکردن مطالعات اسلامی از مرحله تبشیری و کلیسایی به مرحله استعماری بود؛ هرچند از لحاظ ویژگی‌های علمی پررنگ‌تر از مرحله قبلی بودند، اما نسبت به مراحل بعدی نقاط ضعف خاص خود را دارند.
- دوساسی با تربیت شاگردان فراوان توانست شرق‌شناسی را به رشته‌ای دانشگاهی تبدیل کند که بیشتر بر مبنای اهداف علمی استوار بود تا نقد اسلام و یا مبارزه با شرق.
- شاگردان او پس از بازگشت به کشورهای خود و تدریس در دانشگاه‌های آن کشورها، روش دوساسی را در پیش گرفته و به تربیت شاگردانی دست زدند که در مطالعه اسلام بتوانند به کتاب‌های مسلمانان مراجعه نمایند. اسلام‌شناسان معروفی مانند نولدکه و گلدزیهر تربیت یافته شاگردان دوساسی بودند.
- اقدامات وی در امر تصحیح و ترجمه کتاب‌های اسلامی، پس از وی ادامه یافته و قرن نوزدهم میلادی را باید قرن انتشار کتاب‌های اسلامی، به‌ویژه مطبوعه بریل در شهر لیدن هلند، دانست. انتشار کتاب‌های اسلامی، موجب شد که مطالعه در مورد اسلام بر مبنای کتاب‌های اسلامی قرار گرفته و مستشرقان با مراجعه به کتب اسلامی به مطالعه در مورد اسلام بپردازند. البته پرداختن به همه زوایای زندگی دوساسی و تأثیر وی بر زبان‌شناسی و استشرق به‌ویژه استشرق نوین نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد.

منابع

١. ابراهيم، محمد ابوالفضل. (١٤١٨). «اللغه و الأدب و النقد: الحريرى و مقاماته». مجله الازهر. السنه السبعون. الجزء ١٠.
٢. ابن عبدالبر. (١٩٩٢). الاستيعاب فى معرفه الاصحاب. تحقيق على محمد البجاوى. بيروت: دار الجيل.
٣. ابن عقيل. (١٤٠٠). شرح ابن عقيل على الفيه ابن مالك. تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد. قاهره: دار التراث.
٤. ابن قتيبه. (١٩٨٢). الشعر و الشعراء. تحقيق احمد محمد شاکر. قاهره: دار المعارف بمصر.
٥. اسكندرى، احمد. (١٩٩٢). «تحقيق نسبه كتاب كليله و دمنه إلى ابن المقفع». مجله الزهراء. المجلد الخامس. الجزء ٧ و ٨.
٦. اسكندرى، احمد. (١٣٤٦). «كتاب كليله و دمنه (اطواره، و معارضاته، و نظمه و اللغات التى نقل إليها)». مجله الزهراء. المجلد الرابع. الجزء ٤.
٧. اصفهانى، ابوالفرج. (بى تا). الأغانى. تصحيح احمد شنقيطى. قاهره: مطبعه التقدم.
٨. انغلسكو، ميرتشا. (١٩٧٨). «اللغه العربيه و الأدب فى رومانى». ترجمه خيرى الذهبى. مجله المعرفه. العدد ١٩١ و ١٩٢.
٩. بدوى، عبدالرحمن. (١٩٩٣). موسوعه المستشرقين. بيروت: دار العلم للملايين.
١٠. بروكلمان، كارل. (١٩٨٣). تاريخ الادب العربى. ترجمه عبدالحليم النجار. قاهره: دار المعارف بمصر.
١١. بكور، بشار. (١٤٢١). «دره الغواص فى أوهام الخواص (نقد طبعه أبوالفضل إبراهيم)». مجله معهد المخطوطات العربيه. المجلد الرابع و الأربعون. الجزء ٢.
١٢. بيات، عزيز الله. (١٣٨٨). شناسايى منابع و مآخذ تاريخ ايران. تهران: امير كبير.

۱۳. بیومی. عبدالحمید سامی. (۱۳۵۹). «کتاب اخوان الصفاء (دائرة معارف فلسفیه فی القرن الرابع الهجری)». مجله الازهر. المجلد الحای عشر. الجزء ۱.
۱۴. توماشی، حکمت. (۱۳۵۲). «مسابقه البرق و الغمام فی سעה الحمام». مجله المورد. العدد ۷.
۱۵. الحاج، ساسی سالم. (۲۰۰۲). نقد الخطاب الاستشراقی. الظاهره الاستشراقیه و اثرها علی الدراسات الاسلامیه. بنغازی: دار المدار الاسلامی.
۱۶. حافظ، محمود. (۱۴۱۶). «الترجمه بین الماضي والحاضر وأهميتها فی نقل العلوم إلى اللغة العربیه». مجله مجمع اللغة العربیه (مصر). الجزء ۷۸.
۱۷. حائری، عبدالهادی. (۱۳۸۷). نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر.
۱۸. الحلوانی، محمد خیر. (۱۴۰۲). «شرح لامیه العرب لأبی البقاء عبدالله بن الحسین العکبری (۵۳۸ - ۶۱۶ هـ)». مجله المجمع العلمی العراقی. العدد ۳۹.
۱۹. حموی، یاقوت. (۱۹۹۳). ارشاد الاریب الی معرفه الادیب (معجم الادباء). تحقیق احسان عباس. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۲۰. خواجه‌نوری، ن. (۱۳۴۵). «علت تکوین دیوان شرقی غربی گوته». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره ۷۷.
۲۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۹). لغت نامه. زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. رامیار، محمود. (۱۳۹۰). تاریخ قرآن. تهران: امیرکبیر.
۲۳. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). نقد ادبی. تهران: امیرکبیر.
۲۴. زقزوق، محمود حمدی. (۱۹۹۷). الاستشراق و الخلفیه الفکریه للصراع الحضاری. قاهره: دار المعارف بمصر.
۲۵. ساجدی صبا، طهمورث. (۱۳۷۹). «ادبیات تطبیقی - ادبیات شرقی». مجله پژوهش زبان‌های خارجی. شماره ۸.

۲۶. ساجدی، طهمورث. (۱۳۸۴). «لویی ماتیولانگلس: اولین استاد زبان فارسی در مدرسه زبان های شرقی پاریس». مجله چشم انداز ارتباطات فرهنگی. شماره ۱۷.
۲۷. سامی، علی. (۱۳۵۱). «خطوط میخی چگونه خوانده شد». مجله بررسی های تاریخی. شماره ۳۸.
۲۸. سترستین. (۱۳۴۳). «تاریخ المشرقیات فی السويد». مجله المجمع اللغه العربیه بدمشق. المجلد الرابع. الجزء ۱۰.
۲۹. شایب، خضر. (بی تا). نبوه محمد فی الفكر الاستشراقی المعاصر. الجزائر: مکتبه العبیکه.
۳۰. الشهابی، مصطفی. (۱۳۸۵). «انتخال الألفاظ المولده وإقرار الصالح منها». مجله المجمع اللغه العربیه بدمشق. المجلد الأربعون. الجزء ۴.
۳۱. الصباغ، میخانیل بن نقولا. (۱۸۰۵). مسابقه البرق و الغمام فی سעה الحمام. ترجمه من العربیه الی اللغه الفرنساویه سلوستر دسası. پاریس: مطبعه السلطانیه.
۳۲. صمیمی، مینو. (۱۳۸۴). محمد در اروپا. ترجمه عباس مهر پویا. تهران: اطلاعات.
۳۳. الطهطاوی، رفاعه رافع. (۱۹۹۳). تخلص الابریز فی تلیخیص باریز. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۳۴. الطیبایوی، عبداللطیف. (۱۹۹۱). المستشرقون الناطقون بالانجلیزیه. ترجمه قاسم السامرایی. ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود.
۳۵. عبدالرحمن، عقیف. (۱۳۵۹). «فهارس المخطوطات و الببلیوغرافیات: ببلیوغرافیا العصر الجاهلی (تاریخه و أدبه)». مجله المورد. رقم ۳۵.
۳۶. عبدالقادر، عبدالقادر احمد. (۱۴۱۵). «المقریزی مؤرخ الدیار المصریه و آثاره المخطوطه». مجله آفاق الثقافه و التراث. العدد ۸.
۳۷. عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۰). پندنامه. به تصحیح و تحشیه سیلوستر دوساسی. تهران: اساطیر.

۳۸. العقیقی، نجیب. (۱۹۶۴). المستشرقون. قاهره: دار المعارف بمصر.
۳۹. علوی، بزرگ. (۱۳۱۰). «گونه و ایران (دیوان شرق و غرب)». مجله شرق. شماره ۶.
۴۰. عنایت، حمید. (۱۳۵۸). سیری در اندیشه سیاسی عرب. تهران: امیر کبیر.
۴۱. الفاخوری، حنا و الجبر، خلیل. (۱۹۹۳). تاریخ الفلسفه العربیه. بیروت: دار الجیل.
۴۲. فتوح، عیسی. (۱۳۶۱). «گونه و الشرق». مجله العرفان. شماره ۷۱۱.
۴۳. فرمانفرمایان، حافظ. (۱۳۸۴). اروپا در عصر انقلاب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. فریمو، جاک. (۱۹۹۱). فرنسا و الاسلام. من نابلئون الی میتران. ترجمه هاشم صالح. قبرس: شرکه الارض.
۴۵. فکری ارشاد، جهانگیر. (۱۳۵۱). «اوستا و مبانی مطالعات زبان‌های ایرانی». مجله هنر و مردم. شماره ۱۱۶.
۴۶. فوک، یوهان. (۲۰۰۱). تاریخ حرکت الاستشراق الدراسات العربیه و الاسلامیه فی اروپا حتی بدایه القرن العشرين. ترجمه عمر لطفی العالم. بنغازی: دار المدار الاسلامی.
۴۷. قزوینی، محمد. (۱۳۶۲). «نامه امیر تیمور گورکان به شارل ششم پادشاه فرانسه». مقالات قزوینی. گردآوری عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: انتشارات اساطیر.
۴۸. قلقشندی، احمد. (۱۹۲۲). صبح الاعشی فی کتابه الانشاء قاهره: مطبعه الامیریه.
۴۹. کرال، غونتر. (۱۹۶۶). «تطور علم الاستشراق فی المانیه». مجله المعرفه. العدد ۵۷.
۵۰. کرد علی، محمد. (۱۳۴۷). «المستشرقون و نهضه العرب الفکری». مجله الزهراء. المجلد الخامس. الجزء ۱.
۵۱. محفوظ، حسین علی. (۱۳۵۶). «دوائر المعارف و الموسوعات العربیه و الشرقيه فی ۱۲ قرنا. القرن الثالث الهجری - القرن الرابع عشر الهجری (۸۱۶ م - ۱۹۸۰ م)». مجله المورد. رقم ۲۴.
۵۲. مطبوعات شرقیه جدیدہ. (۱۹۰۲). مجله المشرق. السنه الخامسه. العدد ۱۷.

۵۳. المعلوف، عیسی اسکندر. (۱۳۴۱). «شمبولیون و الآثار المصریه». مجله المجمع اللغه العربیه بدمشق. العدد ۲۱.

۵۴. مقداد، محمود. (۱۹۲۲). تاریخ الدراسات العربیه فی فرنسا. الطبعة الثانيه. کویت: عالم المعرفه.

۵۵. نصر، سید حسین. (۱۳۴۱). «به یاد استاد فقید لویی ماسینیون: هرمس و نوشته‌های هرمسی در جهان اسلامی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. سال دهم. شماره ۲.

۵۶. نموی، لیون. (۱۴۰۴). «المخطوطات العربیه فی مکتبه جامعه بیبل بالولايات المتحده». مجله عالم الكتاب. المجلد الخامس. العدد ۱.

۵۷. نوری، محمد. (۱۳۷۸). «خاورشناسان و فرقه شناسی (کارنامه علمی و انتشاراتی در زمینه فرق اسلامی)». مجله هفت آسمان. شماره ۱.

۵۸. یوسف، ظافر. (۱۴۱۸). «الاستشراق الألمانى إلى أين؟ (حوار مع المستشرق الألمانى هارتموت بوبتسین)». مجله التراث العربى. العدد ۶۸.

1. "Peter the Venerable". (1975). Encyclopedia Britannica. Chicago: Encyclopedia Britannica Inc.

2. Alighieri, Dante. (1975). The Divine Comedy: Hell. Harmondsworth: Penguin Books.

3. Almond, Ian. (2010). The History of Islam in German Thought. From Leibniz to Nietzsche, New York: Routledge.

4. Browne, Edward. (1977). A Literary History of Persia. Cambridge: Cambridge University Press.

5. Daftary, Farhad. (2004). Ismaili Literature, A Bibliography of Sources and Studies. London: I.B.Tauris Publishers.

6. Daftary, Farhad. (2005). Ismailis in Medieval Muslim Societies. London: I.B. Tauris Publishers.

7. Daftary, Farhad. (2007). *The Ismailis, Their History and Doctrines*. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
8. de Groot, Alexander. (2000). "Dragomans' Careers: The Change of Status in some Families Connected with the British and Dutch Embassies at Istanbul". in *Friend and Rivals in the East*. by Alstair Hamilton et al. Boston: Brill.
9. D'Ebn Malec. (). *Alfiyya ou la Quintessence de la Grammaire Arabe*. Commentaire Silvestre de Sacy. Paris: n.p., MDCCCXXXIII
10. Derenbourg, Hartwig. (1895). *Silvestre De Sacy*. Paris: Ernest Leroux.
11. Dew, Nicholas. (2009). *Orientalism in Louis XIV'S France*. Oxford : Oxford University Press.
12. Eboo Jamal, Nadia. (2002). *Surviving the Mongols*. London: I.B. Tauris Publishers.
13. Foster, Benjamin R.. (1770-1930). *Yale and the Study of Near Eastern Languages in America*.
14. Gres-Gayer, J. M. (2003). "Jansenism". *New Catholic Encyclopedia*. Washington: D.C.: The Catholic University of America. Second Edition.
15. Hirschberg, H.Z. (1976). "Druze". *Religion in the Middle East*. General Editor: A.J. Arberry. Cambridge: Cambridge University Press.
16. Lockman, Zachary. (2010). *Contending Visions of the Middle East, The History and Politics of Orientalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Louth, Andrew. (2006). "John of Damascus". *Encyclopedia of Philosophy*. Farmington Hills: MacMillan.
18. Macftee, A.L. (2002). *Orientalism*. London: Longman.
19. McCabe. (2008). *Ina Baghdiantz, Orientalism in Early Modern France Eurasian Trade, Exoticism, and the Ancien Régime*, Oxford: Berg.
20. Nicholson, Reynold. (1907). *A Literary History of the Arabs*. New York: Charles Scribner's Sons.

21. Rabi, V. (2005). "Silvestre de Sacy". *Encyclopedia of Language and Linguistics*. Amsterdam: Elsevier Science.
22. Said, Edward. (2003). *Orientalism*. London: Penguin Books.
23. Southern, R. W. (1962). *Western Views of Islam in the Middle Ages*. Massachusetts: Harvard University Press.
24. Virani, Shafique N. (2007). *The Ismailis in the Middle Ages. A History of Survival, A Search for Salvation*. Oxford: Oxford University Press.
25. Waardenburg, Jacques. (1993). "Mustashrihūn". *Encyclopedia of Islam*. 2nd Edition. Leiden: Brill.
26. Wokoek, Ursula. (2009). *German Orientalism. The Study of Middle East and Islam from 1800 to 1945*. New York: Routledge.

The influence of Sylvester Du sacy in the history of Islamic studies in the West

Najmeh Salehi¹

Zahra Ruhollahi Amiri²

Abstract

The studies of Western scientists around the East have long history and have influenced the activities of many researchers, each of whom has contributed to the formation of such studies, that is, the Orientalism with a scientific approach.

In the meantime, Sylvester Du sacy is one of the prolific people who has made many efforts in expanding the studies of oriental languages in France and then in Europe and has brought linguistic studies to a new stage. Du sacy has had an important impact on the historical studies of oriental studies and has brought about a significant change in it.

Using library resources, descriptive method and data collection, this article seeks to answer the question that what effect did Sylvester Du sacy have in Islamic studies, especially in Eastern languages?

The findings indicate that with the ambivalent actions of Du sacy the orientalism entered a new stage that may be referred to as scientific Orientalism, and this effect has been shown in the field of orientalism.

Keywords: Sylvester Du sacy, scientific orientalism, flow of oriental studies, teaching oriental languages, history of oriental studies.

1. PhD student of Islamic history, teacher at Al-Mustafa university, (corresponding author), (na.salehi1981@gmail.com).

2. PhD in Islamic History, assistant professor of Bagher ul Uloom University, (z.rooholahiamiri@yahoo.com)